دستگیری برگزارکنندگان مهمانی هالووین در غرب تهران

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران از دستگیری برگزار کنندگان مهمانی هالووین در شهر جدید پرند خبر داد.

ماموران پلیس غرب استان تهران مدتی قبل از طریق منابع اطلاعاتی متوجه شدند که فردی قصد دارد در یکی از فست‌فودها و کافی‌شاپ‌های شهرستان پرند اقدام به برگزاری جشن هالووین کند و اقدام به اعلام فراخوان و دعوت از افراد مختلف برای حضور در این مهمانی کرده و از آنان خواسته تا با ظاهر ترسناک در این مراسم حاضر شوند.

وی افزود: ماموران پلیس با هماهنگی مقام قضایی برای دستگیری این فرد وارد عمل شده و با حضور در محل کافی شاپ این فرد را که برگزارکننده جشن بود همراه صاحب کافی‌شاپ دستگیر کردند. این افراد قصد داشتند تا با پوشش و ظاهر ترسناك که مختص جشن هالووین است، در معابر حاضر شده و برای تفریح خود اقدام به ترساندن دیگر شهروندان کنند.

پسر ۱۸ ساله‌ای عضو خانواده‌اش را سلاخی کرد

قتل با الگوی خاشقچی!

یک هفته پس از جنایت پسر جوان در کوچصفهان که به خاطر حسادت، چهار عضو خانواده اش و دوست خواهرش را کشته بود، راز پسر ۱۸ ساله که به خاطر حسادت و تحت تاثیر قتل خاشقچی، پدر و مادر و برادر ۱۳ ساله‌اش را به طرز هولناکی به قتل رسانده بود، فاش شد. متهم با صحنه‌سازی قصد داشت، راز جنایت را مخفی کند که تیم جنایی شهریار با اقدامات علمی او را مجبور به اعتراف کردند. سلامت روانی متهم قرار است توسط کارشناسان پزشکی قانونی بررسی شود.

محمد غمخوار
گروه حوادث

به گزارش خبرنگار جام جم، سوم آبان امسال پسر ۱۸ساله‌ای در حالی که دستانش خونین بود، وارد کلانتری شاهدشهر شهریار شد و راز جنایتی هولناك را فاش کرد. پسر زخمی مدعی شد، مرد نقابدار وارد خانه شده و سه عضو خانواده‌اش را به قتل رسانده، اما موفق به کشتن او نشده است.

۳ جنایت هولناك

پس از این ادعا تیمی از ماموران با هماهنگی قضایی راهی خانه پسر جوان در شاهدشهر شده و پس از ورود به خانه با صحنه هولناکی رو به رو شدند. جسد مادر ۴۴ ساله خانواده در نزدیکی در ورودی قرار داشت و جسد مرد ۴۵ ساله در اتاق خواب و پسر ۱۳ ساله‌اش در حمام قرار داشتند. سه عضو این خانواده به طرز دلخراشی و با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بودند.

در بررسی محل آثاری از ورود به زور یا سرقت مشاهده نشد و تیم جنایی در همان تحقیقات اولیه دریافتند، اعضای این خانواده قربانی انتقامی کور شده‌اند. پس از تحقیقات مقدماتی، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان به تحقیق از پسر ۱۸ ساله خانواده پرداختند.

ردپای مرد نقابدار

پسر جوان در تحقیقات گفت: امروز مردی نقابدار وارد خانه‌مان شد و با چاقویی که همراه داشت، پدر و مادر و برادر کوچك‌ترم را کشت. بعد هم با من درگیر شد که در برابرش مقاومت کردم و دستانم زخم شد. او وقتی دید نمی‌تواند مرا هم به قتل برساند، از خانه مان فرار کرد. خیلی ترسیده بودم و تصمیم گرفتم به کلانتری بروم و ماجرا را اطلاع دهم. آن مرد نقاب سیاهی به صورتش زده بود و نتوانستم او را شناسایی کنم.

قاتل، پسر خانواده است

بررسی صحنه قتل با گفته‌های پسر جوان مطابقت نداشت و او در تعریف ماجرا دچار تناقض‌گویی شد. این موضوع شك تیم جنایی را به پسر نوجوان بیشتر کرد و تحقیقات بر روی او متمرکز شد. از سوی دیگر بررسی جراحت‌های دست متهم نشان داد، زخم‌ها شبیه خودزنی است. همچنین همسایه‌ها اعلام کرد، صدای درگیری و کمك خواهی نشنیدند.

بازجویی‌ها از پسر خانواده ادامه داشت اما او همچنان منکر این جنایت بود. به همین خاطر کارآگاهان از روانشناسان پلیس کمك گرفته و چند روز رفتارهای او زیر نظر گرفته شد و پس از صحبت با پسر ۱۸ ساله او لب به اعتراف باز کرد و به قتل عام خانوادگی اعتراف کرد.

اعتراف به قتل

متهم درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: پدرم همیشه بین من و برادرم فرق می‌گذاشت و همین رفتارش باعث شد تصمیم به قتل او بگیرم. از چندی قبل نقشه قتل را در ذهنم مرور کردم و روش‌های مختلفی را انتخاب کردم اما عصر سوم آبان نقشه‌ام عوض شد. ساعت چهار و نیم عصر من و برادرم در خانه تنها بودیم. از آشپزخانه چاقویی برداشتم و با آن چند ضربه به برادرم زدم و او را کشتم. بعد از قتل جسدش را به حمام بردم و منتظر بازگشت پدرم به خانه شدم. وقتی پدرم از سر کار به خانه آمد از پشت سر او را غافلگیر کرده و با ضربه‌های چاقو او را هم کشتم. جسد پدرم را به اتاق خواب بردم. باید مادرم را هم می‌کشتم، اگر او زنده می‌ماند، ماجرا لو می‌رفت. او به مراسم روضه رفته بود که وقتی برگشت، مادرم را با ضربه‌های چاقو کشتم. با چاقویی که در دست داشتم، سه انگشت دستم را بریدم و به کلانتری رفتم و سناریوی دروغین خودم را مطرح کردم.

سناریوی جنایت چطور نوشته شد

معاون اجتماعی فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران با اشاره به این‌که متهم تحت انجام تست‌های سلامت روان قرار گرفته است، گفت: متهم تحت تست‌های روان‌سنجی قرار گرفته و برخی از شواهد حاکی از وجود اختلال شخصیت در این فرد است که البته باید منتظر نظرنهایی پزشکی قانونی بود. او فردی پرخاشگر و برون‌گرا بوده و با افراد درگیر می‌شده است. آن‌طور که خودش گفته، در مدرسه هم همیشه دعوا می‌کرد و در این دعوا مغلوب می‌شده است.

سرهنگ مهدی سرپناه ادامه داد: پسر جوان تبعیض‌های پدرش در رفتار میان او و برادرش را انگیزه این قتل می‌داند و ابتدا قصد داشته پدرش را به قتل برساند و بعد با مادر و برادرش زندگی کند. اما روز حادثه تصمیمش را تغییر می‌دهد و سه عضو خانواده‌اش را به قتل می‌رساند. متهم به قتل ادعا کرده، با دیدن گزارشی درباره قتل جمال خاشقچی، نقشه قتل عام در ذهنش نقش بسته و قصد داشته به شیوه قاتلان این روزنامه‌نگار سعودی قتل را انجام دهد. او در تحقیقات مدعی شده بعد از قتل پدرش دچار سرخوشی شده بود.

وی خاطرنشان کرد: با روش‌های علمی راز این جنایت خیلی زود فاش شد و متهم به تشریح جنایت پرداخت. برای این فرد پرونده‌ای تشکیل شده و هم‌اکنون برای رسیدگی بیشتر در اختیار دادسرا قرار دارد.

پسر ۱۸ ساله که دارای پرخاشگری برون گرا است در اقدامی جنون آمیز ۳ عضو خانواده اش را کشت

ادعای تنها مظنون مرگ مشکوك دختر نوجوان در سعادت‌آباد

اعتیاد به گاز فندك، علت انفجار مرگبار پژو!

کارمند صرافی که در ماجرای مرگ مشکوك دختر ۱۷ ساله بازداشت شده است در جریان تحقیقات پلیسی مدعی شد اعتیاد دختر نوجوان به گاز فندك، باعث انفجار مرگبار در خودرویش شده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، شامگاه ششم آبان امسال یکی از ماموران کلانتری شهرك غرب باساسان غلامی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و ازمرگ مشکوك دختر ۱۷ ساله‌ای در بیمارستان بهمن خبرداد. در این مرحله با تحقیق از پدر دختر فوت شده معلوم شد دخترش همراه راننده پژوپارس در منطقه سعادت آباد بوده که آن پسر زنده و در بیمارستان مطهری بستری است. این در حالی بود که پزشکان در بررسی اولیه اعلام کردند آثار استنشاق گاز در ریه آن دختر بوده وبدن او دچار سوختگی نشده است.

همزمان با مرگ مشکوك این دختر، پسر ۲۰ ساله به نام سهیل که دست و سر و صورتش دچار سوختگی شده، دیروز نزد بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی منتقل شد و به او گفت: در صرافی کارمی کنم دوستم هم محلی دختر نوجوان بود و از سه سال پیش که به خانه دوستم درشهرك غرب می‌رفتم، دختر جوان را می‌دیدم. هفت ماه پیش با شیوا دوست شدم و به هم علاقه‌مند شدیم. ما در بوستان و کافی شاپ همدیگر را ملاقات می‌کردیم و به هم وابسته شده بودیم. چند وقت قبل فهمیدم شیوا به مصرف گاز فندك اعتیاد دارد. اوچندبارهم مقابل خودم مصرف کرد. چندی پیش پی بردم شیوا مسلمان نیست. چون عاشقش بودم می‌خواستم او نیز مسلمان شود. حتی او را به خانواده‌ام معرفی کردم. او را به مراسم مذهبی مان در تاسوعا و عاشورا بردم. مادر شیوا باپی بردن به رابطه مان خواستار جدایی مان بود که سر همین موضوع کمتر همدیگر را می‌دیدیم. روز ششم آبان امسال شیوا تلفنی با من حرف زد و خواست شب همدیگر را ملاقات کنیم که قبول کردم.

سهیل ادامه داد: ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه از صرافی بیرون آمدم. موتورم را خانه گذاشته و با خودروی پژویم به صد متری خانه شیوا رفتم و با سوار کردنش ادامه مسیر دادم. زمانی که به تقاطع دادمان-خوردین منطقه سعادت آباد نزدیك شدیم، خواست توقف کنم. چون باران می‌آمد شیشه های خودرو را بالا بردم. دوباره گاز مصرف کرد و بعد خواست سیگار بکشد که داخل ماشین منفجر شد. از ماشین پیاده شد و چند قدمی برداشت و روی زمین افتاد. زن پرستاری که در حال عبور از آنجا بود به شیوا کمك کرد و با اورژانس تماس گرفت و من دستانم را در جوی آب گذاشتم تا سرد شود. بعداز چند روز متوجه شدم شیوا فوت شده و خیلی شوکه شدم.

پسر جوان در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد. قرار شد پزشکی قانونی علت مرگ دختر نوجوان را اعلام کند. همچنین تیمی از کارشناسان پلیس خودرویی که در آن حادثه رخ داده را بررسی کنند.

آزار شیطانی دختر عمو

زن جوان با مراجعه به پلیس ادعا کرد پسر برادرشوهر سابقش، دختر بچه او را مورد آزار و اذیت قرار داده است. پرونده پس از این شکایت در دادگاه کیفری یك استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت.

چند روز قبل زن جوانی به نام مینا ۳۰ ساله با مراجعه به پلیس ادعا کرد پسر برادرشوهرسابقش، دخترش را مورد آزار و اذیت قرار داده است.

مینا در طرح شکایت خود گفت: دختر من چند ساعتی در منزل عمویش با پدر و عمو و پسرعمویش تنها بود. زمانی که دنبال او رفتم، دیدم به‌شدت بی‌تابی می‌کند و ترسیده بود. هر کاری می‌کردم تا حواسش را پرت کنم، تاثیری نداشت و دخترم آیلین چیزی نمی‌خورد. بالاخره وقتی به خانه رسیدم بعد از دقایق طولانی صحبت کردن و بازی با آیلین، دخترم با همان زبان کودکانه اش به من گفت پسرعمویش او را مورد آزار و اذیت قرار داده است و من از همان توضیحات آیلین و آثاری که روی بدنش بود متوجه شدم اتفاقی افتاده است.

با طرح شکایت مادر آیلین، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و روز گذشته پرونده در مرحله تحقیقات اولیه قرار گرفت.

در این جلسه مادر آیلین که به‌شدت پریشان بود، خطاب به دادگاه گفت: حدود یك سال قبل بود که از پدر آیلین جدا شده بودم. او اعتیاد داشت و بیکار بود. برای همین نتوانستم زندگی را تحمل کنم. بعد از طلاق قرار شد آیلین با من زندگی کند، اما گاهی هم چند ساعتی کنار پدرش باشد. روز حادثه هم همسر سابقم به خانه من آمد و آیلین را با خودش برد. به من گفت با هم به خانه برادرش می‌روند و قرار شد عصر همان روز به دنبال دخترم بروم. زمانی که همسرم و برادرش مشغول مصرف مواد مخدر بوده‌اند، پسر برادر همسر سابقم که جوانی ۲۰ ساله به نام شهاب است دخترم را مورد آزار قرار داده است.

در حالی که متهم به کلی منکر اتهام خود است و ادعای زن عموی سابقش را کذب می‌داند؛ کودك سه ساله به دستور قاضی راهی پزشکی قانونی شد.

سارق ترسو دختر بچه را کنار جاده رها کرد

ماجرای بنیتا تکرار نشد

سارق خودرو با دیدن کودکی در ماشین سرقتی، از ترس تکرار ماجرای بنیتا، دختر بچه را کنار جاده پیاده کرد و به فرارش ادامه داد.

به گزارش خبرنگار جام جم، در حال پرسه زدن در یکی از محله‌های ساوجبلاغ بود. مقابل فروشگاهی با خودرویی رو به رو شد که روشن در کنار خیابان رها شده بود. دیدن خودرو در آن وضعیت وسوسه‌اش کرد تا آن را سرقت کند. به ماشین نزدیك شد و نگاهی به اطراف کرد. از راننده خبری نبود. پشت فرمان نشست و پایش را روی گاز فشار داد. سریع از محل دور شد، نه خبری از راننده بود نه پلیس. نفس عمیقی کشید و سرعتش را کم کرد. ناگهان صدایی از صندلی عقب شنید. در آینه نگاه کرد، صحنه‌ای را دید که انتظارش را نداشت. دختر بچه‌ای روی صندلی عقب بود که با دیدن راننده شروع به گریه کرد. شوکه شد و پایش را روی پدال ترمز فشار داد. وقتی ماشین کنار جاده توقف کرد، بچه را از ماشین پیاده کرد و به فرارش ادامه داد.

پدر این کودك وقتی متوجه سرقت خودرو و ربودن دخترش شد، هراسان با پلیس تماس گرفت و ماجرا را گزارش داد. به خاطر حساسیت موضوع، سرعت تحقیقات آغاز و کودك در حوالی روستای هیو در ساوجبلاغ پیدا شد.

رئیس پلیس ساوجبلاغ با اشاره به این خبر گفت: با پیدا شدن کودك، ماموران به ماموریت خود ادامه دادند و خودروی سرقتی را که به سمت شهرستان نظرآباد در حال حرکت بود شناسایی کرده و موفق به توقف خودرو و دستگیری سارق شدند.

سرهنگ سلیمانی افزود: سارق که دارای چندین فقره سوابق کیفری است در تحقیقات مدعی شد با دیدن خودروی روشن وسوسه شده آن را سرقت کند و بعد از دیدن کودك در ماشین، از ترس او را در کنار جاده پیاده کرده بود.

راز سرقت از خانه‌های لاکچری تهران

باند سرقت مسلحانه از خانه‌های شمال شهر تهران بعد از دومین سرقت به دام ماموران افتادند و در حالی که سردسته باند از دست ماموران گریخت، دومتهم دیگر پای میز محاکمه اتهام خود را پذیرفتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواسط سال گذشته، نیمه‌های شب زن جوان وارد خانه شان در خیابان سعادت آباد شد و با دیدن افرادی ناشناس در خانه اش داد و فریاد به راه انداخت. سارقان که در حال جمع کردن وسایل قیمتی خانه بودند با ورود صاحبخانه اقدام به فرار کردند و هنگام فرار مرد همسایه را که با صدای زن همسایه از خانه اش بیرون آمده بود، با چاقو مجروح کردند.

صاحبخانه که چهره سارقان را دیده بود در طرح شکایت خود توانست به پلیس کمك کند که از روی چهره نگاری، متهمان را دستگیر کند.

سارقان بعد از دستگیری، به سرقت از خانه زن جوان اعتراف کردند و گفتند که چند وقت قبل به خانه‌ای در خیابان میرداماد هم دستبرد زده و اموال قیمت زیادی از آنجا دزدیده‌اند. این در حالی بود که سردسته اصلی باند سرقت متواری شد. اما پرونده قضایی دو متهم دیگر برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

متهم ردیف اول که رامین نام دارد در دفاع از خود گفت: «چند وقت قبل با همدستی دو نفر از دوستانم نقشه سرقت از خانه‌های مجلل را کشیدیم. از چند وقت قبل خانه را تحت نظر می‌گرفتیم و وقتی مطمئن می‌شدیم خانه خالی است، با پیچ گوشتی و ابزار دیگر در را باز می‌کردم. من و فرید وارد خانه می‌شدیم و علی با ماشین مقابل در کشیك می‌کشید. از خانه اول چند تخته فرش ابریشم و مقداری وسایل عتیقه و تلویزیون سرقت کردیم که فرید همه را برداشت و گفت سهم ما را می‌دهد اما نداد، اما در سرقت دوم با ورود صاحبخانه، نقشه مان ناکام ماند. قبول دارم که من با چاقو به مرد همسایه ضربه زدم.»

بعد از آن علی به‌عنوان متهم دیگر پرونده در دفاع از خود گفت: «من اتهام مشارکت در سرقت را قبول ندارم. چون فقط راننده بودم و فرید تنها صد هزار تومان به من پول داد و از اموال سرقتی چیزی نصیبم نشد. حالا هم یك سال است در زندانم و همسرم از من جدا شده و تمام زندگی‌ام نابود شده. اما در این مدت اعتیادم را ترك کردم و توبه کرده‌ام.»

قضات شعبه نهم دادگاه کیفری بعد از شنیدن اظهارات متهمان ختم جلسه دادرسی را اعلام کردند.

تلنگر

تصادف معلمان و دانش‌آموزان با خودروی سواری

تصادف خودروی سواری با ۱۲ دانش‌آموز و دو معلم در بلوار خلیج فارس شهر اسدیه آنها را روانه بیمارستان کرد. به گزارش خبرگزاری صداوسیمای مرکز خراسان جنوبی، ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه دوشنبه سیزدهم آبان امسال ۱۲ دانش‌آموز و دو معلم دبیرستان دخترانه نمونه «علی شاه‌صابری» در بلوار خلیج فارس شهر اسدیه در شهرستان درمیان در حال عبور از عرض خیابان بودند که با یك دستگاه سواری سمند تصادف کردند. افراد مصدوم به بیمارستان خاتم‌الانبیاء شهر اسدیه و بیرجند منتقل شدند.

۶ کشته و ۲۲ مصدوم در واژگونی تویوتا

واژگونی خودروی تویوتا در محور ایرانشهر به مهرستان شش کشته و ۲۲ مصدوم برجای گذاشت. رئیس مرکز اورژانس ایرانشهر به فارس گفت: ساعت ۱۱ و ۳ دقیقه دوشنبه سیزدهم آبان امسال، واژگونی خودروی تویوتا تك کابین در محور ایرانشهر به مهرستان حد فاصل شرکت شن و ماسه به اورژانس گزارش شد. امدادگران اورژانس با حضور در آنجا متوجه شدند که شش نفر در دم کشته و ۲۲ نفر مصدوم شده‌اند.

سارق مسلح ۲ دانش‌آموز را زخمی کرد

مرد مسلح در جریان سرقت گوشی تلفن همراه دو دانش‌آموز دبیرستانی، آنها را زخمی کرد. مجتبی شجاعی، رئیس شورای تامین شهرستان دلگان به ایسنا گفت: صبح دوشنبه سیزدهم آبان امسال و یك ساعت بعد از مراسم راهپیمایی مرد مسلحی به سمت دو پسر دبیرستانی رفت و با تهدید سلاح درصدد سرقت گوشی‌های تلفن همراه آنها بود که با مقاومت دو دانش‌آموز روبه‌رو شد. مرد مسلح آن دو را از ناحیه پا زخمی کرد و متواری شد.

محکمه

پیامك مرموز قبل از غرق شدن در سد

پرونده مرگ مرموز زن جوان در سد لتیان با شکایت اولیای دم از دامادشان به اتهام قتل به جریان افتاد. زن جوان قبل از مرگ پیامکی برای همسرش ارسال کرده بود که گره این پرونده را کور کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، زمستان سال ۹۶ بود که مرد چوپان با امدادگران هلال احمر و ماموران نیروی انتظامی تماس گرفت و مفقود شدن همسرش در نزدیکی سد لتیان را اطلاع داد. او در توضیح ماجرا به ماموران گفت: «صبح امروز با همسرم در خانه مادر او بحثمان شد. خیلی وقت‌ها پیش می‌آمد که به خاطر فشارمالی و مسائل اقتصادی با هم اختلاف پیدا می‌کردیم و خانواده‌اش هر بار به او می‌گفتند در زندگی با من هرگز به راحتی نمی‌رسد. همسرم هم تحت تاثیر قرار می‌گرفت.» مرد چوپان در ادامه گفت: «امروز وقتی دیدم که بحث دارد بالا می‌گیرد از خانه مادر زنم بیرون آمدم. ساعتی بعد همسرم با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد کنار سد لتیان بیاید و خودرویم را بیاورد. سر قرار با او آمدم و دیدم که خودرویم آنجاست اما همسرم را ندیدم. در همان موقع متوجه پیامکی شدم که همسرم، دقایقی قبل برایم زده بود و نوشته بود: «همدیگر را در جهنم می‌بینیم.» همین پیامك موجب نگرانی‌ام شد و با خودم فکر کردم شاید همسرم بلایی سر خودش آورده باشد.»

عملیات امداد و نجات از سوی امدادگران هلال احمر چند ساعتی طول کشید و بالاخره جسد فریبا که براثر خفگی جان خود را از دست داده بود، کشف شد. خانواده فریبا با شکایت از دامادشان، او را عامل مرگ فریبا معرفی کردند. اما آخرین پیامکی که زن جوان برای همسرش فرستاده بود گواه آن بود که مرد چوپان در مرگ همسرش نقشی نداشته است و قرار منع تعقیب قضایی برای پرونده او صادر شد. اما با اعتراض به قرار منع تعقیب، بار دیگر پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارسال شد و در نوبت رسیدگی قرار گرفت.